

استعدادهای هنری نباید قربانی هزینه ها شوند



طین همتی| در فصل تابستان، دغدغه خانواده ها برای غنی کردن اوقات فراغت فرزندانشان بیشتر می شود و آموزشگاه های هنری، به عنوان بسترهایی برای کشف استعدادها و تلطیف روح جامعه، نقش مهمی دراین باره دارند. اما این روزها این آموزشگاه های مشهد با واقعیت های متفاوتی دست وپنجه نرم می کنند؛ از مخارج سرسام آور تأمین ابزار و تجهیزات گرفته تا اجاره های سنگین. آموزش هنری را در سید خانوار، به یک نیاز پرهزینه تبدیل و این مقوله ادامه فعالیت های آموزشگاه ها را پا چالش های جدی رویه رو کرده است.

در گزارش پیش رو، برای بررسی وضعیت فعلی این مراکز و واکاوی دغدغه های مدیران آموزشگاه های تجسمی و موسیقی مشهد، به گفت وگو با سه تن از فعالان این عرصه نشستیم‌ایم و در قسمت دوم همین موضوعات و چالش ها را در گفت‌وگو با مدیران مراکز آموزشی سینما و تئاتر بررسی می کنیم.

● گرانی، ضربه مهلکی به پیکره آموزشگاه‌ها زده است

نسرین نعیمی ثانی، نقاش مشهدی با اشاره به چالش آموزشگاه های هنر از ابتدای سال، اظهار کرد: باید تفکیک کنیم؛ آموزشگاه های با سابقه که هنرجویان هدفمند دارند و به دنبال مدارک رسمی برای امیادها و جشنوار ها هستند، در زمان جنگ کمتر آسیب دیده اند؛ اما برخی خانواده ها هم بودند که تحت تأثیر اخبار دچار ترس و استرس شدند و با وجود اطمینان بخشی ها، فرزندان شان را از کلاس ها جدا کردند، اقدامی که به نظر من، بزرگ ترین آسیب را به خود کودک و نوجوان وارد کرد. وی افزود، این فضا، در کنار ناپایداری دسترسی به اینترنت، ضربه مهلکی به پیکره آموزشگاه ها زد. در دوره هایی که اینترنت قطع بود، بسیاری از مردم که برای آگاهی از برنامه ها و ثبت نام به پلتفرم های برخط تکیه داشتند، از فضای آموزشی فاصله گرفتند و کلاس ها به طرزی سابقه ای خالی شد. مدیر آموزشگاه «نعیمی ثانی» درباره وضعیت ادامه فعالیت های مراکز آموزشی می گوید: در شرایطی که هزینه اجاره بها دو برابر شده و قیمت ابزارهای هنر نقاشی (مانند رنگ) جهشی بیش از دو برابر تجربه کرده است. آموزشگاه دارها در تنگنای عجیبی قرار دارند. از یک سو، با تورم بر دوش هنرجو سنجینی می کنند و از سوی دیگر، مدیریت هزینه های جاری آموزشگاه دشوار است.

● مانور دروغین است که هنر درآمد ندارد!

نعیمی ثانی در نقد سیستم آموزشی کشور بیان می کند: متأسفانه معذارس ما با رویکردی تک بعدی، همه توان دانش آموزان صرفاً قایت های فرساینده تحصیلی (مانند رتبه های کنکور) می کنند. بارها دیده ام که پزشکان، مهندسان و اساتید دانشگاه در کلاس های آموزشی می گویند: ای کاش در دوران کودکی، به جای تأکید صرف بر درس، هنر را هم به ما آموخته بودند.

او تأکید می کند: این یک مانور دروغین است که هنر درآمد ندارد. اتفاقا برخلاف تصور عموم، هنر می تواند در کنار تحصیلات آکادمیک امنیت مالی و آرامش روانی فرد را تأمین کند. دانش آموزان مقاطع عالی دانشگاه بسیاری را می بینم که به دلیل نبود بازار کار، در حسرت داشتن یک مهارت هنری برای تدریس و درآمدزایی هستند.

● نقش خانواده و ضرورت آموزش

این هنرمند و مدرس مشهدی ضمن اشاره به اهمیت نقش والدین، بیان می کند: خانواده ها نباید هنر را در دغدغه های آخر خود جای دهند. هنر برای دوری از حواشی جامعه و افزایش سطح هوش و خلاقیت دانش آموز، یک ضرورت است، نه یک کالای لوکس. در همین راستا، تجربیات و دغدغه های سال ها تدریس خود را در قالب سه کتاب به رشته تحریر درآورده ام که به زودی رونمایی خواهد شد، کتاب هایی که معتقدم می تواند نگاه جامعه را به ضرورت حضور هنر در زندگی فرزندان تغییر دهد. نعیمی ثانی با اشاره به دشواری های ادامه مسیر برای هنرجویان مستعد، می گوید: گاهی هنرجویی به مرحله ای می رسد که می توان گفت از چند خان سخت عبور کرده است؛ استعداد دارد، پشتکار دارد و حتی می تواند در سطح ملی بدرخشد. اما درست در همان نقطه ای که باید وارد مراحل تخصصی تر شود، به دلیل شرایط مالی ناچار به توقف می شود. به گفته او، این مسئله فقط محدود به نقاشی نیست و در بسیاری از رشته های هنری از جمله موسیقی نیز دیده می شود. کسی که می خواهد به مراحل بالای هنر برسد، باید آموزش تخصصی ببیند، در دوره های حرفه ای شرکت کند، وارد جشنواره ها و المپیادها شود و تجربه کسب کند. طبیعی است که همه این مراحل هزینه دارد و اگر خانواده توان حمایت مالی نداشته باشد، هنرجو در میان راه زمین گیر می شود.

● مسیر حرفه ای هنر بدون حمایت مالی دشوار است

نعیمی ثانی با بیان اینکه ورود به جشنواره ها، المپیادها و دوره های تخصصی نیازمند دانش و آمادگی جدی است، ادامه می دهد: برای دیده شدن در هنر، صرف استعداد کافی نیست. هنرجو باید سطح حرفه ای و تکنیکی خود را بالا ببرد. این کار با دوره های تخصصی، مطالعه، تمرین مداوم و حضور در رویدادهای هنری ممکن می شود، اما همه این ها هزینه بر است. او می افزاید: بخش زیادی از کسانی که می توانند تا پایان مسیر پیش بروند، از خانواده هایی هستند که امکان مالی بیشتری دارند. اما هنرجویانی که از طبقات کم برخوردار می آیند، با وجود استعداد بالا، اگر حمایت نثشوند، معمولا در میان راه متوقف می مانند.

قسمت اول



اقتصادی و تورم است.

ادامه می دهد: در شرایطی که خانواده ها ولویت خود را بر تأمین هزینه های معیشتی و خوراک قرار داده اند، طبیعتا سهم آموزش های هنری در سبد خانوارها کم رنگ شده است. ما این تفاوت را به وضوح در آمار ثبت نام تابستان امسال نسبت به سال های گذشته مشاهده می کنیم. خانواده ها مشتاق هستند فرزندان شان از فضای دیجیتال فاصله بگیرند و به فعالیت های فیزیکی مانند سفالگری یا نقاشی روی بیاورند. اما گرانی ها مانع اصلی است.

● مهارت افزایی یا آرامش بخشی

مدیر آموزشگاه «آفتاب»، درباره انگیزه های هنرجویان بیان می کند: نمی توان گفت انگیزه صرفا اقتصادی یا صرفا روانی است. هنرجویان

ما دو دسته اند، عده ای به دنبال یادگیری مهارتی هستند که زودبازده باشد؛ مثلا سفالگری که می توانند با تولید اشی به درآمد برسند. در مقابل، دسته دوم کسانی هستند که به توصیه روان شناسان یا برای یافتن آرامش و ارتباط با طبیعت (گل و خاک) به هنر روی می آورند. این دو گروه تقریبا با هم برابرند و هر دو بخش برای ما اهمیت دارند. نوقایی یکی از بزرگ ترین دغدغه های صنفی خود را فعالیت حرفه ای خود، به درآمد برسد و ادامه رها تن را بسازید. او تأکید می کند، هنرجویان نباید منتظر شرایط ایده آل بمانند یا باید خانواده توان حمایت مالی داشته باشد. یا خود هنرجو باید یاد بگیرد در کنار آموزش، کار کند و از هنر خود درآمد به دست آورد. به نظر من، گروه دوم معمولا پرتانگیزه تر هستند.



امانسا نوقایی:
چالش ما تنها کمبود هنرجو نیست، بلکه فعالیت آموزشگاه های فاقد مجوزی است که در فصل تابستان، بدون داشتن تخصص و نظارت، با تبلیغات گسترده هنرجویان را جذب می کنند. این موضوع باعث هدررفت سرمایه و زمان خانواده ها می شود

سرمایه و زمان خانواده ها می شود، زیرا بسیاری از این هنرجویان پس از تجربه ای ناموفق، دوباره به مراکز اصلی و دارای مجوز مراجعه می کنند تا کار را اصولی بیاموزند و عملا مجبور به پرداخت هزینه دوباره می شوند.

او با انتقاد از نبود نظارت از سوی متولیان حوزه فرهنگ و هنر می افزاید: ۲۵ سال است که در این حرفه هستم، اما همچنان با این مشکل دست و پنجه نرم می کنیم. مجوز ما از وزارت ارشاد است و اگر چه اکنون با همکاری فنی و حرفه ای سعی کرده ایم شرایط دریافت مدرک را برای بچه ها تسهیل کنیم، همچنان جای خالی نظارت بر مراکز غیرمجاز که بی ضابطه فعالیت می کنند، احساس می شود.



روزبه زورچنگ:
موسیقی آمپول نیست که بزنی و موسیقی بان شوی؛ باید تحصیل کنی، مطالعه کنی و سال ها تمرین کنی تا از یک هنرجوی آماتور به یک هنرجوی استاندارد برسی

● دشواری در تولید و بازار رقابتی

مدیر این آموزشگاه هنری با اشاره به افزایش هزینه های ابزارها و وسایل هنری می گوید: قبلا با هزینه های اندک می شد یک کارگاه کوچک راه انداخت. اما اکنون برای شروع همان کار باید چندین برابر سرمایه اولیه داشت. وقتی هزینه مواد اولیه بالا می رود، نه تنها آموزش، بلکه تولید اثر هم با چالش روبه رو می شود، باین حال، ما تلاش می کنیم با برگزاری نمایشگاه های گالری محور به جای بازار محور، به هنرجویان کمک کنیم تا خود را به عنوان هنرمند معرفی کنند. نه صرفا تولیدکننده، زیرا رقابت با تولیدات انبوه ماشینی بدون داشتن خلاقیت و نوآوری در هنر، ممکن نیست.

● روایتی از یک بلاتکلیفی مزمن در هنر موسیقی

روزبه زورچنگ، مدیر آموزشگاه موسیقی «نوی مهر»، درباره وضعیت این روزهای آموزشگاه ها می گوید: مراکز آموزشی موسیقی در مشهد این روزها از یک بلاتکلیفی مزمن حکایت می کنند. در حالی که انتظار می رفت پس از پشت سر گذاشتن دوران پرتنش سال های اخیر، فضای هنری به حالت عادی بازگردد، سایه سنگین تورم و تغییر در ذائقه مخاطبان، رمق فعالیت را از

● روایتی از یک بلاتکلیفی مزمن در هنر موسیقی

روزبه زورچنگ، مدیر آموزشگاه موسیقی «نوی مهر»، درباره وضعیت این روزهای آموزشگاه ها می گوید: مراکز آموزشی موسیقی در مشهد این روزها از یک بلاتکلیفی مزمن حکایت می کنند. در حالی که انتظار می رفت پس از پشت سر گذاشتن دوران پرتنش سال های اخیر، فضای هنری به حالت عادی بازگردد، سایه سنگین تورم و تغییر در ذائقه مخاطبان، رمق فعالیت را از

● روایتی از یک بلاتکلیفی مزمن در هنر موسیقی

روزبه زورچنگ، مدیر آموزشگاه موسیقی «نوی مهر»، درباره وضعیت این روزهای آموزشگاه ها می گوید: مراکز آموزشی موسیقی در مشهد این روزها از یک بلاتکلیفی مزمن حکایت می کنند. در حالی که انتظار می رفت پس از پشت سر گذاشتن دوران پرتنش سال های اخیر، فضای هنری به حالت عادی بازگردد، سایه سنگین تورم و تغییر در ذائقه مخاطبان، رمق فعالیت را از

چارسوق هنر

روایتی از بانوی شهید جنگ تحمیلی سوم در خراسان رضوی



فیلم کوتاه «نگاره»، روایتی انسانی از زندگی و شهادت نگارمیردوست، یکی از شهدای نیشابور در جنگ تحمیلی سوم، است. به گزارش خبرگزاری ایسنا، این اثر به نویسندگی و کارگردانی سیدسجاد موسوی و سیدحجت حسینی، به روایت شهیدشدن نگارمیردوست در ساعت ۱۵:۳۰ظهر پنجشنبه، ۶فروردین ۱۴۰۵، برآثر حمله به یکی از

واحدهای صنعتی شهرک صنعتی خیام در شهرستان زبرخان نیشابور می پردازد. تهیه کننده فیلم «نگاره» بر این نکته تأکید دارد که نگار تلاش می کند با پرهیز از کلیشه ها و روایت های شعارزده، ابعاد خانوادگی، معنوی و انسانی زندگی این شهید را به تصویر بکشد، زهراسیبانی درباره چگونگی شکل گیری ایده و انتخاب شخصیت شهیدمیردوست توضیح داد: ایده ساخت این فیلم حاصل جمع بندی گروه فرهنگی هنری هدی بود. این گروه که از بانوان تشکیل شده است، همواره تلاش می کند زنان اثرگذار تاریخ را از طریق هنر به نسل امروز معرفی کند. وی با بیان اینکه با سرپرستی محبوبه شرفی، تصمیم گرفتیم زندگی شخصیتی را روایت کنیم که در عین اثرگذاری، کمتر شناخته شده باشد. افزود، در بررسی شهدای منطقه، با زندگی شهید نگارمیردوست آشنا شدیم. با نوبی که از او به عنوان نخستین بانوی شهید جنگ تحمیلی سوم در خراسان یاد می شود. سببانی در تشریح زاویه دید فیلم و نحوه اقتباس از زندگی شهید گفت: زاویه دید فیلم بر ابعاد انسانی و عاطفی حوادث استوار است. برخلاف روایت هایی که بیشتر به جنبه های خبری و سیاسی تأکید دارند، ما از دریچه عشق، خانواده و ایمان به موضوع نگاه کردیم و تأثیر حوادث بر روح و زندگی انسان را در مرکز روایت قرار دادیم.

نقش متفاوت بازیگر مشهدی در سریال جدید تلویزیون



محسن قصابیان، بازیگر شناخته شده مشهدی که با بازی در آثار تاریخی، امنیتی و سیاسی شناخته می شود، این بار با نقشی متفاوت در یک سریال تلویزیونی جلوی دوربین رفته است. به گزارش ایسنا، محسن قصابیان در سریال «سرباز کوچک امام» به کارگردانی علی غفاری و تهیه کنندگی سعید سعدی، نقش پدر مهدی را ایفا می کند. نوجوان آزاده ای که تذکر شجاعانه اش به یک خبرنگار

زن خارجی برای رعایت حجاب، به نمادی از غیرت و باورها ی نسل نوجوان دفاع مقدس تبدیل شده بود. «سرباز کوچک امام» در سیمافilm مراحل تولید را پشت سر می گذار. قصابیان که پیش از این در آثاری چون «منصور»، «بازیبرس»، «داریوش»، «کوری»، «کلاغ»... حضور داشته است، در این سریال تصویری متفاوت از یک پدر را به نمایش می گذار: نقشی احساسی که می تواند یکی از متفاوت ترین تجربه های کارنامه بازیگری او باشد.

پیشخوان

معرفی هشتمین شماره دوفصلنامه «هنر نگار»

نگاهی انتقادی به نقد تاریخ نگاری ها در هنرها

خادم ا هشتمین شماره دوفصلنامه «هنرنگار» با پرونده ای درباره «نقد تاریخ نگاری ها در هنرها» منتشر شد.

مراد از پرداختن به این موضوع در پیشگفتار پرونده این طور بیان شده است: «روایت های تاریخی درباره هنر و معماری، برای دورانی دراز، تحت سیطره دسته ای از نویسندگان و تاریخ شناسان غربی بوده اند. این روایات، نه تنها به ما گفته اند که گذشته خود را چگونه ببینیم، بلکه به ما تحمیل کرده اند که خودمان را چگونه درک کنیم؛ به عنوان مشاهده گران منفعل در حاشیه تاریخ جهانی، نه به عنوان صاحبان دانش و خلاقیت. امروز، در ایران معاصر، این سیطره فکری هنوز باقی است. ما هنوز هم تاریخ معماری خود را از طریق لنزهای مفاهیم غربی می بینیم. ما هنوز هم کتاب های نوشته شده درباره هنر اروپایی را به عنوان مرجع پذیرفته ایم و ما هنوز هم تاریخ هنر و معماری ایرانی را نه به عنوان دانایی خویشتن، بلکه به عنوان موضوعی منفعل در تاریخ بزرگ تر درک می کنیم؛ اما این دیدگاه، بیش از اندازه ساده انگارانه است. تاریخ نگاری هنر، هنگامی که از غرب به ما وارد شد، نه صرفا یک رشته دانشی بود، بلکه می توان گفت نوعی ساختار نفوذ و سلطه هم بود. این ساختار، نه تنها تعریف می کرد که گذشته چگونه باید خوانده شود، بلکه تعیین می کرد که کدام اثرهای هنری و معماری «ارزشمند» و کدام ها «ابتدایی» و «بدوی» هستند. این ساختار، برای دهه ها، توانست معماری ایرانی را بیشتر از یک مسئله تاریخی درک کند، با اینکه نمی تواند برای هنر مدرن ایرانی، تاریخ تکوینی مستقل بنگارد. نخستین پرونده این شماره دوفصلنامه هنرنگار، «نقد تاریخ نگاری ها در هنرها»، به بررسی و نقد این روایات و نقد روش های تاریخ نگاری ای که آن ها را تولید کرده اند می پردازد. [...] آنچه در این پرونده گرد آمده است، بیش از آنکه صرفا بررسی چند متن یا چند روایت باشد، تلاشی است برای پرسش از خود تاریخ نگاری؛ از پیش فرض های پنهان آن، از سلسله مراتب ارزشی ای که تولید می کند و از سازوکارهایی که برخی سنت ها را در مرکز قرار می دهد و برخی دیگر را به حاشیه می راند. تاریخ نگاری هنر و معماری، دانشی خشتی و بی طرف نیست؛ بلکه میدان کشاکش روایت ها، روش ها و افق های فکری است.»

این شماره از مجله هنرنگار پرونده دیگری با عنوان «تاریخ نگاری نو» نیز دارد. در پیشگفتار این پرونده آمده است: «تاریخ نگاری، در ساده ترین تعریفش، هنر روایت گذشته است. اما این تعریف از همان آغاز مشکل دارد، زیرا هیچ روایتی از گذشته، بی طرف نیست. هر تاریخ نگاری، زمان خودش را دارد. زبان خودش را، «اینجا و اکنون» خودش را و پرسش هایی را که از گذشته می پرسد، چرا که «روح زمانه» اش را زیست می کند؛ به همین دلیل است که تاریخ یک پدیده – معماری، هنر، شهر، یا هر چیز دیگری– با گذشت زمان دگرگون نمی شود. اما تاریخ نگاری آن پیوسته باز نویسی می شود. آنچه در این پرونده دنبال می کنیم، نه تاریخ معماری و هنر، بلکه خود این باز نویسی است؛ یعنی تاریخ نگاری به مثابه یک عمل، یک روش و یک موضع. [...] در اینجا از لایه لای مقالات این پرونده می توان به سه پرسش بنیادین رسید. این پرونده، با وجود تنوع موضوعی اش، در پی پاسخ به سه پرسش است. نخست، آیا می توانیم به جای یک تاریخ، تاریخ های مختلفی بسازیم؟ [...] دوم، چگونه می توانیم روایت های موجود را به طور انتقادی بفهمیم و بازخوانی کنیم؟ [...] سوم، چگونه می توانیم مسیر و ریل گذاری خود را برای نگاه به تاریخ هنر و معماری ایران بسازیم؟»

هشتمین شماره دوفصلنامه هنرنگار در ۲۸۸ صفحه و به بهای ۶۰۰ هزار تومان برای نسخه چاپی و ۴۰۰ هزار تومان برای نسخه الکترونیکی عرضه شده است.

شهریار

شبهه
۱۷ شهریور ۱۴۰۵
شماره ۴۸۳

۱۱



هنرنگار

تاریخ نگاری ها در هنرها

تاریخ نگاری ها در هنرها

تاریخ نگاری ها در هنرها

معرفی هشتمین شماره دوفصلنامه «هنر نگار»

نگاهی انتقادی به نقد تاریخ نگاری ها در هنرها

خادم ا هشتمین شماره دوفصلنامه «هنرنگار» با پرونده ای درباره «نقد تاریخ نگاری ها در هنرها» منتشر شد.

مراد از پرداختن به این موضوع در پیشگفتار پرونده این طور بیان شده است: «روایت های تاریخی درباره هنر و معماری، برای دورانی دراز، تحت سیطره دسته ای از نویسندگان و تاریخ شناسان غربی بوده اند. این روایات، نه تنها به ما گفته اند که گذشته خود را چگونه ببینیم، بلکه به ما تحمیل کرده اند که خودمان را چگونه درک کنیم؛ به عنوان مشاهده گران منفعل در حاشیه تاریخ جهانی، نه به عنوان صاحبان دانش و خلاقیت. امروز، در ایران معاصر، این سیطره فکری هنوز باقی است. ما هنوز هم تاریخ معماری خود را از طریق لنزهای مفاهیم غربی می بینیم. ما هنوز هم کتاب های نوشته شده درباره هنر اروپایی را به عنوان مرجع پذیرفته ایم و ما هنوز هم تاریخ هنر و معماری ایرانی را نه به عنوان دانایی خویشتن، بلکه به عنوان موضوعی منفعل در تاریخ بزرگ تر درک می کنیم؛ اما این دیدگاه، بیش از اندازه ساده انگارانه است. تاریخ نگاری هنر، هنگامی که از غرب به ما وارد شد، نه صرفا یک رشته دانشی بود، بلکه می توان گفت نوعی ساختار نفوذ و سلطه هم بود. این ساختار، نه تنها تعریف می کرد که گذشته چگونه باید خوانده شود، بلکه تعیین می کرد که کدام اثرهای هنری و معماری «ارزشمند» و کدام ها «ابتدایی» و «بدوی» هستند. این ساختار، برای دهه ها، توانست معماری ایرانی را بیشتر از یک مسئله تاریخی درک کند، با اینکه نمی تواند برای هنر مدرن ایرانی، تاریخ تکوینی مستقل بنگارد. نخستین پرونده این شماره دوفصلنامه هنرنگار، «نقد تاریخ نگاری ها در هنرها»، به بررسی و نقد این روایات و نقد روش های تاریخ نگاری ای که آن ها را تولید کرده اند می پردازد. [...] آنچه در این پرونده گرد آمده است، بیش از آنکه صرفا بررسی چند متن یا چند روایت باشد، تلاشی است برای پرسش از خود تاریخ نگاری؛ از پیش فرض های پنهان آن، از سلسله مراتب ارزشی ای که تولید می کند و از سازوکارهایی که برخی سنت ها را در مرکز قرار می دهد و برخی دیگر را به حاشیه می راند. تاریخ نگاری هنر و معماری، دانشی خشتی و بی طرف نیست؛ بلکه میدان کشاکش روایت ها، روش ها و افق های فکری است.»

این شماره از مجله هنرنگار پرونده دیگری با عنوان «تاریخ نگاری نو» نیز دارد. در پیشگفتار این پرونده آمده است: «تاریخ نگاری، در ساده ترین تعریفش، هنر روایت گذشته است. اما این تعریف از همان آغاز مشکل دارد، زیرا هیچ روایتی از گذشته، بی طرف نیست. هر تاریخ نگاری، زمان خودش را دارد. زبان خودش را، «اینجا و اکنون» خودش را و پرسش هایی را که از گذشته می پرسد، چرا که «روح زمانه» اش را زیست می کند؛ به همین دلیل است که تاریخ یک پدیده – معماری، هنر، شهر، یا هر چیز دیگری– با گذشت زمان دگرگون نمی شود. اما تاریخ نگاری آن پیوسته باز نویسی می شود. آنچه در این پرونده دنبال می کنیم، نه تاریخ معماری و هنر، بلکه خود این باز نویسی است؛ یعنی تاریخ نگاری به مثابه یک عمل، یک روش و یک موضع. [...] در اینجا از لایه لای مقالات این پرونده می توان به سه پرسش بنیادین رسید. این پرونده، با وجود تنوع موضوعی اش، در پی پاسخ به سه پرسش است. نخست، آیا می توانیم به جای یک تاریخ، تاریخ های مختلفی بسازیم؟ [...] دوم، چگونه می توانیم روایت های موجود را به طور انتقادی بفهمیم و بازخوانی کنیم؟ [...] سوم، چگونه می توانیم مسیر و ریل گذاری خود را برای نگاه به تاریخ هنر و معماری ایران بسازیم؟»

هشتمین شماره دوفصلنامه هنرنگار در ۲۸۸ صفحه و به بهای ۶۰۰ هزار تومان برای نسخه چاپی و ۴۰۰ هزار تومان برای نسخه الکترونیکی عرضه شده است.